



بازجویی از زهر افروز کرمی نسبت آقا بنی علوی

پس هفت روز زهر آقا بنی علوی (فروز کرمی) محضرات روح اطلالی خود را در باره  
حمید اشرف یاد کرد جزئیات بنویسید

حمید اشرف را من اولین بار در خانه اش که با علی رضا شایب رضوی اجاره کرده بودیم دیدم

تقریباً در ماه آذرماه در آن خانه سؤال ما بود ۱۰ و همکار حمید اشرف را به خانه ما آوردیم

ما در آن نام متعارف (صوفی) می شناختم او یک مجلس شایب داشت و دو عدد تارنجک که

کمی بزرگتر کردن اصلواش را با جادهای دهنه داد که جنبه معنی بیشتر در خانه ما بود

این برنام کارها اش نسبت به من آفتراک سؤال میکرد و همین است که به عنوان آن خان

روضیت و کارها بخانه که این نسبت به من آفتراک هم نسبت او در نزد اولی که می خواست

به خانه ما بیاید اول نسبت به من آفتراک به خانه آمد و آن سلامت خانه مطلع شد بعد رفت

با و آمدند خود در آن خانه بیک روز هم آمد که در آن دفعه با کارهای سنگ استوری را یاد دار

و آن در هم چند ساعت بیشتر در خانه ما خاتمه من ادعا می نمود تا اینکه ما خانه اش را دیدیم که

من دیگر چیزی سؤال نکرد و بعد از آنکه او گفت شد بهای او حمید اشرف (علی اکبر) است

به خانه ما آمد و هرگاه که می خواست بنام ما بیاید قبلاً تلفظ می زد و آنروضیت خانه می پرسید

و بنام ما آمد و کلام هم یکی اینها بود که میرفت و ادای آورد و مرتب می نمود



تلفی می‌آورد، با چهره‌اش دست در کمر کوچک می‌زدیم که بی‌سیم چه کسی به نوبت او می‌آید یا اینکه با ششین دارد

یا نه و با ششین بود چه نوی است. حیدر اشرف و فنی که نمی‌تواند با ما آمد مگر آنکه با پرونده‌های قضایی

یا با بیس روی آقاییان دو نفره و ماه سه نفره تکلوی کردند که سایر مجرمان از نظرهای او

بسی خفیه بودند. حیدر با هم شب موقع سرزبان فنیسی ما در برزبان شرکت می‌کردند و هم

کار مخصوصی با حرفی مخصوصی یا ... نژده بود و معمولاً هم کمی آمدند و در هم می‌رفتند و او هم

که به خانه ما آمد و رفت کردند زیرا که آنجا خانه ما را می‌رفتند و هم در آنجا می‌آمدند و رفتند

و در آنجا می‌آمدند و رفتند و در آنجا می‌آمدند و رفتند و در آنجا می‌آمدند و رفتند

آنها خایر یک بود در تری دست ساز بود تکلوی

س - آنها را به حوزه قدرت تواری می‌کنند

ج - با آنها کار می‌کنیم در تکلوی